

بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در اورامانات از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی

سعید احمدی^{۱*}، بهمن زندی^۲

۱- کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

در این مقاله به بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در اورامانات (شهرستان‌های چهارگانه پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته شده است. بر این اساس از میان جامعه آماری (شهرستان‌های چهارگانه منطقه اورامانات)، ۴۵۰ آزمودنی به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. در این مقاله از پرسشنامه اصلاح شده الگوی پژوهشی پاراشر (۱۹۸۰) استفاده شده است. از آزمودنی‌ها خواسته شده که دو گونه زبانی فارسی و کردی را در شش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزش و اداری براساس یک میزان چهار گزینه‌ای «همیشه»، «اغلب»، «بعضی وقت‌ها» و «هیچ وقت» مشخص کنند. پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال است که براساس درجه رسمیت حوزه‌ها به ترتیب از غیررسمی به رسمی مرتب شده‌اند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، اطلاعات توسط کامپیوتر پردازش شدند. روش‌های آماری آزمون ت جفت و واکاوی واریانس یک سویه جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق به کار گرفته شده است.

واکاوی یافته‌ها نشان می‌دهد که اختلاف در استفاده از دو زبان فارسی و کردی توسط گروه‌های مختلف سنی، تحصیلی، جنسی و افراد متأهل با همسر کرد و غیر کرد از نظر آماری معنی دار می‌باشد. به نوعی که افراد جوان و تحصیل کرده نسبت به بقیه در حوزه‌های اداری، آموزشی و دوستی از زبان فارسی نسبت به بقیه حوزه‌ها بیشتر استفاده می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: گویش کردی، زبان فارسی، منطقه‌ی اورامانات، زبان شناسی اجتماعی، دوزبانگونگی.

مقدمه

بنا بر گواهی تاریخ بشر از دیرباز به صورت اجتماعی می‌زیسته و یکی از مهم‌ترین نیازهای آدمی در زندگی اجتماعی برقراری ارتباط با هم‌نوعان و ایجاد تفهیم و تفاهم است. بشر همواره برای برقراری ارتباط در جوامع خود از وسایل و ابزارهای مختلفی سود می‌جسته که در این میان (زبان)^۱ مهم‌ترین ابزار و وسیله او به شمار می‌آید.

بنابراین زبان یک «نهاد اجتماعی» است بدین معنی که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیات یکدیگر و برای برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را برقرار کرده‌اند. زبان نه تنها مهم‌ترین وسیله ارتباطی بشر، بلکه پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز می‌باشد و به دلیل سرشت اجتماعی خود هماهنگی با اختلاف اجتماعات، مختلف است. به سخن دیگر با اینکه این نهاد^۲ در همه اجتماعات بشری وجود دارد و وظیفه و نقش آن در همه جا یکسان است، شکل آن الزاماً در همه جوامع یکسان نیست و نحوه عمل آن در هر اجتماع با اجتماع دیگر آشکارا تفاوت دارد. به طوری که هر شکلی از زبان فقط در میان افراد جماعتی معین می‌تواند وظیفه برقراری ارتباط و تفاهم را به جای آورد (باقری، ۱۳۷۵: ۱۲).

مطالعه و توصیف زبان که موضوع اصلی زبان شناسی^۳ است، باید در بافت اجتماعی آن انجام گیرد و به واسطه خصلت اجتماعی زبان نمی‌توان بدون توجه به متغیرهای اجتماعی گوناگون به بررسی کامل آن پرداخت. در واقع میان ساخت زبان و ساخت جامعه و روندها و

1 language

2 Institution

3 linguistics

متغیرهای زبانی و اجتماعی، رابطه‌ای نزدیک و تنگاتنگ وجود دارد و مطالعه زبان جدا از بافت اجتماعی آن، نمی‌تواند توصیفی همه‌جانبه و واقع‌گرایانه از آن بدست دهد. موضوع اصلی علم جامعه‌شناسی زبان^۱ نیز بررسی زبان در جامعه می‌باشد. جامعه‌شناسی زبان نام شاخه علمی تازه‌ای است که از محل تلاقی زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی جوانه زده است. وقتی زبان در ارتباط با گروه یا جامعه مورد مطالعه قرار گیرد یعنی به عنوان ابزار ارتباط بین افراد اجتماع مطرح باشد، بررسی آن در حوزه شاخه علمی دیگری قرار می‌گیرد که به آن جامعه‌شناسی زبانی گفته می‌شود. اغلب پیشرفت‌های جامعه‌شناسی از اواخر دهه ۱۹۶۰ صورت گرفته است. مطالعات افرادی مانند ویلیام لباو^۲ استاد دانشگاه پنسیلوانیا را باید از نخستین گام‌های اساسی در این رشته دانست زیرا در همین بررسی هاست که با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی، برای نخستین بار همبستگی متغیرهای زبانی اجتماعی به شیوه‌ای علمی و منظم نشان داده می‌شود. جامعه‌شناسان زبان به مطالعه و بررسی رابطه بین زبان و جامعه می‌پردازند. جامعه‌شناسان زبان همچنین به انواع مختلف گوناگونی‌های زبانی^۳ علاقه مند هستند، گوناگونی‌هایی که برای بیان و بازتاب عوالم اجتماعی بکار می‌روند. (باقری، ۱۳۷۵)

به سادگی می‌توان مشاهده کرد که سخن‌گویان فارسی زبان همواره در همه نواحی جغرافیایی و نیز در موقعیت‌های گوناگون به طور یکسان صحبت نمی‌کنند، بلکه بر حسب ناحیه جغرافیایی و نیز موقعیت اجتماعی خاص، گونه‌های زبانی جغرافیایی و یا صورت‌های زبانی خاص یعنی واژه‌ها، ساخت‌ها و عبارات‌های متفاوتی را به کار می‌برند که تا حدودی معنی-واحدی را می‌رسانند. به بیان دیگر، گونه‌های زبانی که در خانه، مدرسه یا دانشگاه، محیط کار، بازار، محیط‌های اداری، موقعیت‌های رسمی و جز این‌ها به کار می‌بریم، تا حدودی با یکدیگر متفاوتند، یعنی، سخنگویان زبان به هنگام ارتباط زبانی با افراد متفاوت، از گونه‌های زبانی متفاوت استفاده می‌کنند. (ممدوحی، ۱۳۸۴).

1 Sociology of language

2 William labov

3 linguistic variations

شاید این واقعیت در نگاه اول عجیب و اغراق آمیز به نظر برسد که بسیاری از انسان‌های جهان برای رفع احتیاجات روزمره‌ی خود مجبورند تا چهار یا پنج زبان را بیاموزند: زبان مادری^۱ (محلی^۲ یا بومی^۳) و قومی، زبانی است که انسان از بدو تولد و اغلب از طریق پدر و مادر خود آن را فرا می‌گیرد.

زبان ملی^۴، که فراگیری آن حداکثر از زمان مدرسه رفتن آغاز می‌گردد و بدون یادگرفتن آن زندگی در کشور مربوطه بسیار سخت و دشوار است.

زبان مذهبی^۵، که شخص به خاطر درک هرچه دقیق‌تر دین و مذهب خود و انجام فرایض آن، باید آن را فرا بگیرد.

زبان منطقه‌ای^۶، که فراگیری آن برای افراد غیربومی ساکن در محلی که زبان مادری آن با زبان مادری شخص و یا زبان ملی کشور مربوطه متفاوت است راه‌گشا خواهد بود. (ممدوحی، ۱۳۸۴)

زبان بین‌المللی^۷، که باید وسیله‌ای باشد برای ارتباط برقرار ساختن با تمامی کشورهای دیگر جهان. از بین این پنج مجموعه‌ی زبانی متفاوت، زبان‌های مادری و بین‌المللی مورد کم توجهی واقع شده‌اند.

بیان مسأله

«زبان نظامی است که بر پایه آن هم امکان ارتباط پیامی با ویژگی‌های ادراکی میسر می‌گردد و هم بر پایه آن فرایندهای اجتماعی معتبر، علائم وارده در اندیشه شکل می‌گیرد و تبیین می‌شود. زبان و علائمی که ضبط می‌شود شکل برجسته بعد نمادین و فرهنگی انسان است که از نظر اجتماعی جذب می‌شود» زبان یکی از رفتارهای انسانی است که روان‌شناسی^۸

1 mother tongue

2 local language(Vernacular)

3 native language

4 national language

5 religion language

6 regional language

7 international language

شناسی^۱ مطالعه آن را کلیدی برای گشودن اسرار فعالیت‌های عالی ذهن (تفکر، تخیل، استدلال، قضاوت و عواطف و...) می‌داند و از نظر انسان‌شناسی^۲ (معیار انسانیت) هم حائز اهمیت می‌باشد زیرا بزرگترین ویژگی و تفاوت که انسان را از سایر حیوانات متمایز می‌کند، بیان و نطق اوست به عبارت دیگر کلام و بیان (در قالب الفاظ و زبان) ظهور خارجی منطق باطنی بوده و تفکر، تعقل، احساسات، استدلال و عواطف بوسیله زبان تجلی می‌یابد.

در یک تقسیم‌بندی کوتاه می‌توان زبان را به سه دسته زبان مادری، زبان مشترک^۳ و زبان تحمیلی^۴ تقسیم بندی کرد که زبان مادری به جامعه زبانی فرد اشاره دارد که او در آن زاده شده و رشد کرده است و نخستین وسیله ابراز احساسات و اندیشه‌های یک گروه قومی و ملی است و از طریق همین وسیله است که فرد در واحد اجتماعی اصلی یعنی خانواده ادغام می‌شود و روند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. زبان مادری به لحاظ موقعیت و نقشی که دارد چنانچه برای ارتباط اجتماعی چندین قوم و ملت نیز به کار رود، زبان رایج آن اجتماع می‌شود که در این صورت زبان مادری در سطح چندین ملت یا بخش عظیمی از آن در محدوده مرزهای مشخص و قراردادی و زیر یک پرچم و تحت فرمان یک حکومت بکار می‌رود و نام زبان مشترک به خود می‌گیرد و همچنین اگر علی‌رغم میل باطنی مردم و بدون در نظر گرفتن مصالح عمومی و فرهنگی و علمی و تنها به منظور نشان دادن خواست فرد یا گروهی و به قصد امحاء و یا تضعیف زبان‌های رقیب و محتویات آنان به مردم کشوری تحمیل گردد زبان تحمیلی می‌نامیم. زبان مادری نخستین ابزار ابراز احساسات و اندیشه‌های یک گروه قومی است و گوش انسان از بدو تولد با لالایی‌های مادر و سایر نزدیکانش و همچنین با تکلم آنان، با آن آشنا می‌شود.

هر قوم و ملتی فرهنگ خاص خود را دارد که هر یک سلسله سنت‌های حاکم بر آن قوم که ریشه در آداب اجتماعی آنها دارد ریشه می‌گیرد و کاملاً وابسته به زبان آن ملت می‌باشد و با از بین رفتن زبان، فرهنگ و اخلاق و سپس شعور و قدرت ملت از بین خواهد رفت.

1 psychology

2 anthropology

3 common language(Lingua france)

4 imposed language

اهمیت زبان مادری تا به حدی می‌باشد که سازمان علمی و فرهنگی یونسکو^۱ کسی را باسواد می‌داند که قادر باشد به زبان مادری خودش بنویسد و بخواند و حتی در قانون اساسی کشورمان که میراث مشترک همه مردم ایران از هر قوم و نژاد و مبین نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به شمار می‌رود به صراحت در اصل ۱۵ (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) استفاده از زبان‌های محلی و قومی (مادری و ملی) در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی (به‌عنوان زبان مشترک) آزاد اعلام شده است که همگی دلالت بر اهمیت و جایگاه زبان مادری دارد.

ایران سرزمین نیاکانی گروه‌های فرهنگی - چندزبانی است که به زبان‌های اردو، بلوچی، کردی، عربی و غیره گویش می‌کنند. ولی زبان رسمی مدرسه‌ها فارسی، یا زبان گروه بیشینه شمار (اکثریت) است، که زمینه ساز دشواری دوگانگی زبان خانه و مدرسه برای هزاران هزار کودکی می‌شود که زبان مادری‌شان فارسی نیست. میزان در پایه مانی (مردودی) در میان این گروه‌ها بیشتر از گروه فارسی زبان است، همان گونه که در میزان آموزش‌گریزی (ترک تحصیل) هم آنها بر این گروه فزونی دارند. در راستای بازساخت این دشواری، وزارت آموزش و پرورش کشور یک دوره آماده سازی یک ماهه برای کودکانی که زبان ماری‌شان فارسی نیست، برنامه‌ریزی کرده است که درست یک ماه پیش از آغاز پایه اول برگزار می‌شود. افزون بر این در برخی از استان‌ها دوره‌های یک ساله پیش‌دستانی برگزار می‌شود که بدون آنکه هیچ گونه برنامه ویژه ای برای غیرفارسی زبانان داشته باشند پذیرای هر دو گروه می‌شوند.

هدف تحقیق حاضر این است که نیاز پرداختن به این دشواری را برجسته کند و پی‌جوی راهکاری بخردانه برای از میان برداشتن آن از راه یکی از گونه‌های آموزش دو زبانه شود. تنها شمار چشم‌گیر دانش‌آموزانی که دچار این دشواری هستند، و پیامدهای زیان‌بار آن که گریبان‌گیر دانش‌آموزان دیگر زبان هستند، نشان‌دهنده ارزندگی آموزشی برای پرداختن به این دشواری است. پیشینه پژوهشی آموزش دو زبانه چارچوب نظریه پژوهش کنونی را پدید

می‌آورند که در آن با به کارگیری داده‌های گردآوری شده با پرسشنامه دانش‌آموزی در «بررسی جهانی پیشرفت در خواندن» (پرلز) وابستگی گوناگونی در عرصه‌های های خواندن به میزان هم‌سای (تماس) با زبان فارسی نشان داده می‌شود. چنین گوناگونی در ارزش‌های خواندن همراه با جایگاه بسیار پایین دانش‌آموزان ایرانی در این بررسی جهانی گویای نیاز به بازنگری بنیادی در سامانه آموزشی کشور و گشایش گره‌های شناسایی شده (دوگانگی زبان خانه و آموزشگاه) است.

دو زبانی و دو زبانتگی

در ارتباط با دو زبانی، پدیده دیگری نیز مطرح می‌شود که در جامعه‌شناسی زبان با نام دو زبانتگی^۱ معروف است. این اصطلاح که نخستین بار از سوی چارلز فرگسن^۲ (۱۹۵۹:ص ۳۴۵) در سال ۱۹۵۹ پیشنهاد گردید، در مورد اجتماعی به کار می‌رود که در آن‌ها دو گونه متمایز از یک زبان، دارای نقش‌های متفاوتی هستند و هر یک در موقعیت‌های مختلفی به کار گرفته می‌شوند. البته اغلب زبان‌ها دارای گونه‌های مختلف با نقش‌های گوناگونی هستند که هر یک در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی متفاوتی به کار می‌روند، اما دو زبانتگی، مطابق تعریف فرگسن وضعیت خاصی است که با این گونه موارد تفاوت دارد. به نظر فرگسن، دوزبانتگی عبارت است از یک موقعیت معین و نسبتاً با ثبات زبانی که در آن علاوه بر گونه اصلی زبان (گونه معیار یا گونه‌های محلی معیار)، یک گونه بسیار متفاوت و معتبر (با ادبیات غنی و ارزش اجتماعی و فرهنگی بالا) نیز وجود دارد که از طریق آموزش رسمی یادگیری می‌شود و در گفتار و نوشتار رسمی به کار می‌رود اما هرگز در گفتگوهای معمول و عادی هیچ یک از قشرها و گروه‌های اجتماعی کاربرد ندارد. بنابراین، دوزبانتگی به مفهوم بالا، مثلاً در زبان فارسی وجود ندارد زیرا با آن که گونه‌های رسمی و غیررسمی به صورت متمایز در زبان فارسی وجود دارند، اما می‌توان از گونه رسمی، علاوه بر موقعیت‌های رسمی مانند سخنرانی‌ها و نوشتار، در گفتار عادی نیز استفاده کرد. اما در زبان عربی که از

1 diglossia

2 C.Ferguson

جمله نمونه‌هایی است که فرگسن برای دوزبانگونی ارائه می‌دهد، وضعیّت متفاوتی وجود دارد. عربی، علاوه بر گونه‌های معیار محلی گوناگون (در کشورهای مختلف عربی زبان)، یک گونه بسیار معتبر نیز دارد که عربی قرآنی یا عربی کلاسیک نامیده می‌شود و در گفتگوهای عادی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. (مدرسی، ۱۳۶۸: ص ۳۶-۳۸)

مفهوم اوّلیه دوزبانگونی در سال‌های بعد به وسیله افرادی مانند گامپرز^۱ و فیشمن^۲ (۱۹۷۱: ص ۲۸۷) گسترش داده شد به طوری که بسیاری از جامعه‌های زبانی را که در آن‌ها یک یا چند زبان با گونه‌های متفاوت رایج بود، عملاً دربر گرفت. مطابق نظر گامپرز، دوزبانگونی وضعیتی است که در آن یک زبان، گویش یا گونه برای نقش اجتماعی معینی به کار گرفته می‌شود، اما زبان، گویش یا گونه دیگر با نقشی متفاوت در موقعیّت‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، دوزبانگونی نه تنها در جامعه‌های چندزبانه یا جامعه‌هایی که در آن‌ها دو گونه محاوره‌ای و کلاسیک یک زبان به کار می‌رود، وجود دارد، بلکه در جامعه‌هایی که گونه‌ها، سبک‌ها و گویش‌های یک زبان دارای نقش‌های متفاوتی هستند نیز قابل مشاهده است. بنابراین، تعریف‌های اخیر جنبه کلی‌تری دارند و بسیاری از مواردی را که (مانند فارسی) با تعریف فرگسن قابل انطباق نیستند، دربرمی‌گیرند. برخی از زبان‌شناسان دوزبانگی را یک ویژگی فردی و دو زبانگونی را یک خصلت اجتماعی به شمار آورده‌اند. از ترکیب این دو، یعنی دوزبانگونی و دوزبانگی، حالات مختلفی به وجود می‌آید که فیشمن آن‌ها را به صورت چهار امکان گوناگون مطرح می‌کند: (مدرسی، ۱۳۶۸: ص ۳۶-۳۸).

افراد دوزبانه‌ای که در اجتماعی با دو زبانگونی زندگی می‌کنند؛ افراد دوزبانه‌ای که در جامعه‌ای بدون دوزبانگونی قرار دارند؛ افراد یک زبانه‌ای که عضو جامعه‌ای با دو زبانگونی هستند و بالاخره افراد یک زبانه‌ای که عضو جامعه‌ای بدون دو زبانگونی هستند. به نظر فیشمن جامعه‌هایی که درصد افراد دوزبانه در آن‌ها بالاست، به دو زبانگونی گرایش بیشتری دارند و در جامعه‌هایی که دوزبانگونی وجود دارد معمولاً درصد افراد دوزبانگونه بالاتر است (مدرسی، ۱۳۶۸: ص ۳۶-۳۸).

1 J.Gumperrz

2 J.fishman

رابطه بین دو زبانگونی و دوزبانگی

دوزبانگونی خصوصیت جوامع است تا افراد. افراد ممکن است دو زبانه باشند ولی جوامع و کشورها دو زبانگونه. به عبارت دیگر اصطلاح دوزبانگونی، دوزبانگی اجتماعی یا رسمی شده را توصیف می‌کند، درجایی که ضرورت پیدا می‌کند دو گونه تمامی حوزه‌های یک جامعه را دربرمی‌گیرد، اما جوامع دوزبانگونه‌ای وجود دارند که افراد دو زبانه خیلی کمی دارند. برای مثال، در هائیتی نود درصد جمعیت این کشور تک زبانه کریول^۱ هستند. در نتیجه این افراد نمی‌توانند در حوضه‌های رسمی تر فعلاً شرکت کنند. معیارهایی که جوامع دوزبانگونه را مجزا می‌کنند. در آغاز خیلی سخت و دقیق تعبیر می‌شدند، به طوری که جوامع اندکی دو زبانگونه تلقی می‌شدند. اما به زودی مشخص شد که برخی جامعه شناسان زبان احساس کردند که این اصطلاح می‌تواند به طور متمرثر گسترش داده شود. دوزبانگونی مربوط به جامعه-شناسی زبان است ولی دوزبانگی مربوط به روانشناسی زبان است. از ترکیب دوزبانگونی و دوزبانگی، حالات مختلفی بوجود می‌آید. فیشمن (۱۹۶۷) چهار تعریف از رابطه دوزبانگونی - دوزبانگی ارائه می‌دهد:

۱- **دو زبانی همراه با دوزبانگونی:** فراگونه و فروگونه جداگانه کسب می‌شود. فروگونه در خانه آموخته میشود و در تعاملات خانوادگی و آشنا به کار می‌رود. در حالیکه فراگونه هرگز در خانه آموخته نمی‌شود و به نهاد های آموزشی، مذهبی و دولتی مربوط می‌شود. تقریباً در جامعه زبانی همه می‌بایست هر دو گونه را بدانند.

۲- **دوزبانگونی بدون دو زبانی:** این وضعیت معمولاً در جامعه‌ای بدست می‌آید که در آن دسته‌های مجزا درون یک موجودیت منفرد سیاسی، مذهبی و یا اقتصادی زندگی میکنند. یکی از آنها گروه حاکم و فقط از فراگونه استفاده می‌کنند و گروه دیگر به طور طبیعی گروه بسیار بزرگتری هستند که در جامعه هیچ قدرتی ندارند و منحصرأ از زبان فروگونه استفاده می‌کنند (فیشمن، ۱۹۶۷)

۳- **دوزبانگی بدون دوزبانگونی:** هم دوزبانگونی همراه با دوزبانگی و هم دوزبانگونی بدون دوزبانگی به طور نسبی آرایش‌های پایدار و طویل‌المدت هستند (فیشمن ۱۹۶۷، صفحات ۹۸) اما در بسیاری موارد چنین وضعیتی‌هایی ممکن است نه تنها به وسیله تغییر زبان مشخص شود. این موضوع نتیجه فقدان قسمت‌های مجزا بین فراگونه و فروگونه است که همچنین منجر به وضعیتی می‌شود که دوگونه درحوزه‌های یکسانی باهم رقابت می‌کنند. این پیامد «دوزبان گونگی نفوذ ناپذیر» است که یک زبان بدون نقش‌هایی که قبلاً برای دیگری ذخیره شده بود، نفوذ می‌کند. یکی از پیامدهای آن جایگزینی است.

۴- **نه دوزبانگی نه دوزبانگونی:** این وضعیت نتیجه ی «... دو زبانگی بدون دوزبانگی لاینقطع (یعنی بدون قسمت‌های مجزا) است» (فیشمن ۱۹۶۷، صفحه ۹) برای وجود چنین موقعیتی، یک جامعه ی زبانی خیلی کوچک، مجزا و مساوی ضروری است.

مبانی نظری

نظریه ساخت‌گرایی / رفتارگرایی

دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ مکتب «ساخت‌گرایی» یا زبان‌شناسی «توصیفی» مدافعانی همچون لئونارد بلوم فیلد^۱، ادوارد سپیر^۲، چارلز هاکت^۳، چالرز فریزر^۴ و دیگران داشته است که این افراد خود را ملزم به استفاده از قوانین علمی زبان‌های بشری که «قابل مشاهده» بودند می‌دانستند، و فقط جلوه‌های کاملاً مشهود و ملموس موضوع تحقیقات آن‌ها بود. به نظر ساخت‌گرایان، وظیفه زبان‌شناس توصیف و شرح زبان‌های مختلف و مشخص کردن خصوصیات ساختاری آن زبان‌ها بود. این نگرش باعث شد زبان‌شناسان بی‌مهابا متوجه دور افتاده‌ترین نقاط کره زمین شوند و برای زبان‌های ناشناخته دستور زبان بنویسند. دیدگاه بسیار روشن زبان‌شناسان ساخت‌گرا این بود که «بدون هیچ محدودیتی زبان‌ها می‌توانند از هم متمایز باشند» و این که هیچ پیش

1 Leonard Bloomfigd

2 Edward sapir

3 Charles Hocket

4 F.Charles

تصویری در این زمینه قابل قبول نیست. فریمن توآدل^۱ (۱۹۳۵:ص ۵۷) این اصل را به شکل کاملاً افراطی بیان کرد. «هر نوع تلقی که از تفکر، روح جان و مجرداتی از این دست که به عنوان واقعیت‌های موجود داریم، باید به این باور برسیم که دانشمند این نوع علوم بدون یافتن عینیتی در این زمینه‌ها به موفقیت رسیده است چنان که گویی تمامی اطلاعات به دست آمده را از طریق سیستم عصبی فیزیولوژیکی بدن خودش به دست آورده است. حال می‌توان نتیجه گرفت که اگر دانشمند این رشته از علوم خود را درگیر نیروهای فیزیکی و غیرمادی نماید دانشمند به حساب نمی‌آید. روش علمی به گونه‌ای قراردادی است که در آن تفکر و تصور نقشی ندارد...» (براون، ۱۳۸۱)

زبان‌شناسان ساختگرا تنها اطلاعاتی را که به وضوح قابل مشاهده و درک می‌باشد بررسی می‌کنند و هیچ فرض و الزامی را در این مورد که دیگری ممکن است مراحل شناختی مشابهی با افراد دیگر داشته باشد در نظر نمی‌گیرند. بعضی نظرات موجود در افکار اسکینر مخصوصاً نظرات وی در کتاب «رفتار زبانی» (۱۹۵۷) بیانگر این مطلب است که هر تصویری از «عقیده» یا «معنی» افسانه توضیحی بیش نیست و یک سخنگو صرفاً بسان مکان هندسی از رفتار زبانی است تا علت آن رفتار. چارلز اسگود^۲ (۱۹۵۷) از رفتار زبانی همچون یک «مرحله وساطت نمایشی» یاد کرده است که تاکنون از دیدگاه غیرذهنی زبان جدا نشده است. (براون، ۱۳۸۱)

آنچه برای ساخت گرایان و زبان‌شناسان توصیفی مهم‌تر می‌نمود، این بود که زبان قابل تجزیه به بخش‌ها و یا اجزای کوچک‌تری می‌باشد، به طوری که این بخش‌ها را می‌توان از لحاظ علمی مورد بحث و بررسی قرار داد، با هم مقایسه کرد و مجدداً با هم ترکیب نمود. به تبعیت از چنین اصلی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ زبان‌شناسان به سرعت به سوی زبان‌های ناشناخته اقصی نقاط جهان جهت تبیین دستور زبان آن‌ها گسیل شدند.

در میان روان‌شناسان، رفتارگرایان توجه خود را به پاسخ‌هایی کاملاً قابل مشاهده معطوف داشتند، یعنی همان رفتارهایی که به عینه قابل درک، ضبط و اندازه‌گیری بودند. یک «روش علمی» به طور جدی مسایل را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین جنبه‌هایی از قبیل هوشیاری و

1 Freeman Twaddell

2 Charles Osgood

درک مستقیم، ذهنی تصوّر شده و حوزه حقیقی غلطی را در برمی گیرند. عدم اعتماد به مشاهده درباره مسایلی همچون هوشیاری، تفکر جنبه شکل گیری مسایل و یا تحصیل دانش عناوینی را به وجود آورده‌اند که بحث در مورد آن‌ها در چارچوب اصول رفتارگرایی غیرممکن می‌نماید الگوهای رفتارگرایی واقعی شامل یک سلسله اعمال کلاسیک و شرطی شدن‌ها، یادگیری‌های گفتاری طوطی‌وار، یادگیری‌های ابزاری و یادگیری‌های تشخیصی و سایر رویکردهای «تجربی» در مطالعه رفتار انسانی می‌شود. شما با آزمایشات کلاسیک سگ پاولوف^۱ و جعبه‌های اسکینر^۲ آشنا هستید این آزمایشات نیز می‌خواهند نشان دهند که می‌توان با شرطی کردن ارگان‌های بدن به پاسخ‌های موردنظر رسید در صورتی که کار به میزان متناسب و برنامه‌تثبیتی درست ارائه شود (براون، ۱۳۸۱).

نظریه عقل‌گرایی و روان‌شناسی شناختی

در دهه ۱۹۶۰ نوام چامسکی^۳ مکتب زبان‌شناسی «زایشی-گشتاری» را پایه‌گذاری کرد. چامسکی سعی داشت اثبات کند که زبان انسان را نمی‌توان به سادگی و تنها از راه به دست آوردن اطلاعات اولیه و مشاهده محرک‌ها و پاسخ‌های محیطی توسط زبان‌شناسان آزمایشگاهی به دقت بررسی کرد. زبان‌شناسان مکتب گشتاری نه تنها به توصیف زبان یا رسیدن به «کارایی توصیفی» زبان علاقه‌مند بودند بلکه اشتیاق داشتند به «کارایی تبیینی» در مطالعه زبان برسند که خود «اصولی پایه‌ای و مستقل در هر زبان دارند و این به خاطر انتخاب کارایی توصیفی دستوری است که می‌توان برای هر زبانی متصوّر شد» (چامسکی، ۱۹۶۴: ۶۳)

هسته‌های اولیه انقلاب زبان‌شناسی زایشی-گشتاری حدوداً در سال‌های آغازین قرن بیستم کاشته شد. فردینان دو سوسور^۴ (۱۹۶۹) ادعا می‌کند که بین واژه گفتار^۵ (همان چیزی که اسکیز آن را «مشاهده» می‌کند و چامسکی آن را «کنش» می‌نامد) و واژه زبان (که منسوب

1 Pavlov

2 Skinner

3 Noam Chomsky

4 Ferdinand de Saussure

5 parole

می‌شود به واژه «توانش» با همان توان درونی و غیرقابل مشاهده ما فرق وجود دارد). اما در چند دهه بعد همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد زبان‌شناسان توصیفی عمدتاً بر آن شدند که توانش را نادیده بگیرند و به مطالعه کنش پردازند. انقلابی که به سبب زبان‌شناسی زایشی به وجود آمد با تمایل زبان‌شناسان توصیفی به مطالعه کنش زبانی (که نماد خارجی زبان است) در هم شکسته شد و توجه زبان‌شناسان بیشتر معطوف به تمایز شخص بین سطح قابل مشاهده زبان (روساخت) با سطح عمقی (ژرف ساخت) و غیرقابل مشاهده آن گردید، سطح غیرقابل مشاهده زبان بیشتر شامل معنا و مفهوم می‌شود که این معنا و مفهوم در نهایت سطح قابل مشاهده زبان را به وجود می‌آورد.

از سوی دیگر روان‌شناسان شناختی ادعا کردند که معنا، ادراک و دانستن داده‌های اصلی برای مطالعات روان‌شناسانه می‌باشد. «شناختگرایان» بیشتر سعی دارند تا اصول روان‌شناسی عملکردها را بیابند و کمتر به مطالعه بر روی ارتباط موجود میان پاسخ و تحریک می‌پردازند. دیوید آسوبل^۱ (۱۹۶۵:ص ۴) خاطر نشان کرد: (براون، ۱۳۸۱)

«از نقطه نظر ساختگرایی، تلاش برای نادیده گرفتن مسایل هوشی یا کاهش مراحل انعکاسی رفتارهای ضمنی نه تنها باعث می‌شود تا نکات ارزشمند و تحقیق‌پذیر از زمینه روان‌شناسی که مهم‌ترین مرحله تحقیق است عملی نگردد بلکه باعث تضعیف و ساده نشان دادن این پدیده بسیار پیچیده روان‌شناسی می‌شود».

روان‌شناسان شناختگرایی به مانند زبان‌شناسان زایشی در تلاشند به کشف انگیزه‌های درونی و سطح عمقی رفتار انسان با استفاده از رویکردی عقل‌گرایانه برسند، یعنی آن‌ها خود را از مطالعات منحصرأ تجربی که مختص رفتارگرایان است رها ساخته و برای توضیح رفتار انسان ابزار منطق، استدلال، برون‌یابی و استنتاج را بکار بستند. فرا رفتن از توان تشریحی و رسیدن به توان توصیفی از بیشترین اهمیت برخوردار است (براون، ۱۳۸۱).

1 David Ausbel

روش تحقیق آزمودنی ها^۱

انتخاب آزمودنی ها با توجه به جدول مورگان براساس گروه بندی تصادفی انجام شد. عوامل مورد مطالعه در این تحقیق شامل؛ سن، جنس، سطح تحصیلات و زبان مادری بودند. تلاش براین بوده است تا انتخاب آزمودنی ها براساس عوامل یاد شده باشد. آنها از بین افراد کرد زبان ساکن در منطقه اورامانات برگزیده شدند. جهت داشتن یک نمونه همگن و داشتن نمونه از شهرستان های چهارگانه منطقه اورامانات (پاوه ۱۹۰ نفر، جوانرود ۱۵۰ نفر، روانسر ۶۰ نفر، ثلاث باباجانی ۵۰ نفر) انتخاب شدند. آزمودنی ها از پنج گروه سنی انتخاب شدند. زیر ده سال (کودکان)، ۱۱ تا ۱۶ سال (نوجوانان)، ۱۷ تا ۲۵ سال (جوانان)، ۲۶ تا ۶۵ سال (افراد میانسال) و بالای ۶۵ سال به عنوان افراد سالخورده.

جدول ۱- مربوط به فراوانی و درصد آزمودنیها در هر گروه سنی

گروه سنی	فراوانی	درصد
۱۰ -	۲۸	۶/۲
۱۱ - ۱۶	۵۷	۱۲/۷
۱۷ - ۲۵	۹۳	۲۰/۷
۲۶ - ۶۵	۲۵۲	۵۶
+ ۶۵	۲۰	۴/۴
جمع	۴۵۰	۱۰۰

در جدول بالا مشاهده می کنیم که ۳۹/۶ درصد از آزمودنیها ۲۵ و زیر ۲۵ سال سن داشتند و ۶۰/۴ درصد بقیه بیشتر از ۲۵ سال سن داشتند.

جدول ۲- مربوط به فراوانی و درصد آزمودنی‌ها در گروه‌های مختلف تحصیلی

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۲۷	۶
ابتدایی	۴۴	۹/۸
راهنمایی	۵۸	۱۲/۹
متوسطه	۴۹	۱۰/۹
دیپلم	۹۳	۲۰/۷
فوق دیپلم	۵۴	۱۲
لیسانس	۹۳	۲۰/۷
فوق لیسانس	۱۹	۴/۲
دکتر	۱۱	۲/۴
بدون جواب	۲	۰/۴
جمع	۴۵۰	۱۰۰

آن چه که در جدول بالا مشاهده می‌کنیم این است که ۶۰/۳ درصد از آزمودنی‌ها دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و ۳۹/۷ درصد بقیه نیز دارای تحصیلات عالی و دانشگاهی می‌باشند.

جدول ۳- مربوط به فراوانی و درصد افراد متأهل با توجه به زبان مادری همسرانشان

زبان مادری همسر	فراوانی	درصد
فارسی	۲۵	۵/۶
کردی	۲۴۸	۵۵/۱
بدون جواب	۱۷۷	۳۹/۳
جمع	۴۵۰	۱۰۰

در جدول بالا مشاهده می‌کنیم که ۵/۶ درصد از افراد همسرانشان فارس زبان هستند و ۵۵/۱ درصد بقیه نیز همسرانشان کرد زبان هستند و بقیه افراد یا زبان مادری همسرانشان را مشخص ننموده‌اند و یا این که مجرد می‌باشند.

جدول ۴ - مربوط به فراوانی و درصد آزمودنی‌ها در دو گروه جنسی

گروه سنی	فراوانی	درصد
مرد	۱۷۰	۳۷/۸
زن	۲۸۰	۶۲/۲
جمع	۴۵۰	٪۱۰۰

در جدول بالا مشاهده می‌کنیم که ۱۷۰ نفر از آزمودنی‌ها را مردان تشکیل دادند و ۲۸۰ نفر نیز از میان زنان انتخاب شدند.

ابزارها

اطلاعات موجود در این تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه گردآوری شده‌اند. اصلی‌ترین ابزار مورد استفاده، پرسشنامه^۱ باسؤال‌های بسته - پاسخ^۲ بود. این پرسشنامه براساس پرسشنامه الگوی پژوهشی «پاراشر» (۱۹۸۰) انتخاب شده است که البته در آن اصلاحاتی داده شده است. پاراشرشش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، داد و ستد، آموزشی و اداری را در نظر گرفت، حوزه‌هایی که به ترتیب از غیر رسمی به رسمی طبقه‌بندی شده بودند. در مدل پاراشر از پنج قید تکرار همیشه، معمولاً، اغلب، بعضی وقت‌ها و هرگز، استفاده شده است ولی در پرسشنامه به کار رفته در این تحقیق قید تکرار «معمولاً» حذف شده است: پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال است که در هر حوزه شش سؤال گنجانده شده است. هر سؤال دو قسمت دارد: ۱- فارسی ۲- کردی.

1 questionnaire

2 closed endend questions

سؤال اول تا سؤال ششم حوزه خانواده، سؤالات هفتم تا دوازدهم حوزه دوستی، سؤالات سیزدهم تا هجدهم حوزه همسایگی، سؤالات نوزدهم تا بیست و چهارم حوزه دادوستد، سؤالات بیست و پنجم تا سی‌ام حوزه آموزشی و سؤالات سی و یکم تا سی و ششم حوزه اداری است.

قیدهای تکرار برای این است تا مشخص شود که پاسخگو تا چه حد از یک زبان در یک حوزه بخصوص استفاده می‌کند.

نمونه‌گیری تصادفی و اجرا

انتخاب نمونه‌ها باید معرف و نماینده جمعیت منطقه و مکان مورد مطالعه باشد. نمونه‌ها از تمام شهرهای منطقه اورامانات انتخاب شدند. شهرهایی که در مناطق اورامانات وجود دارند به ترتیب جمعیت عبارتند از شهرستان پاوه (بخش نوسود، نودشه و باینگان)، شهرستان جوانرود، شهرستان روانسر شهرستان ثلاث باباجانی. با توجه به جمعیت این بخش‌ها بیشترین نمونه از شهر پاوه و کمترین نمونه از شهر ثلاث باباجانی انتخاب شدند. افراد باسواد خود پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند، ولی برای بی‌سوادان پرسشنامه‌ها خوانده و گاهی ترجمه شد.

پردازش داده‌ها^۱

داده‌های خام از ۴۵۰ پرسشنامه تکمیل شده توسط افراد از شهرهای چهارگانه منطقه اورامانات به دست آمد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها برای هر قید تکرار عددی در نظر گرفته شد، به این ترتیب که به قید «همیشه» عدد ۴، به قید «اغلب» عدد ۳، به قید «بعضی وقت‌ها» عدد ۲ و به قید «هیچ وقت» عدد ۱ داده شد. سپس برای هر پاسخ دهنده فراوانی کاربرد کردی و فارسی در هر حوزه شمارش شد. بنابراین برای هر فرد دو عدد در هر حوزه به دست آمد.

کدگذاری داده‌ها:

برای آماده ساختن اطلاعات جهت پردازش توسط کامپیوتر، کدهای مختلف به متغیرهای جنس، سن، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر برای افراد متأهل داده شد. به این ترتیب، هر آزمودنی براساس سن، جنس، سطح تحصیلات و زبان مادری همسرش - در صورت تأهل - کدگذاری شد. قیدهای تکرار با اعدادی که به آنها داده شده بود یک میزان چهار مرحله‌ای را تشکیل می‌دادند که به پرسشنامه ارزش عددی می‌دادند.

روش‌های آماری

در این تحقیق متغیرهای مختلفی تحت بررسی قرار گرفتند که عبارتند از:

متغیر مستقل^۱: متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از: سطح تحصیلات، سن، جنس و زبان مادری همسر، زیرا تلاش بر این بوده است که اثر این عوامل روی انتخاب زبان نشان داده شود.

متغیر وابسته^۲: در این تحقیق کاربرد و جایگاه زبان فارسی توسط آزمودنی‌ها اندازه‌گیری شد. بنابراین کاربرد زبان فارسی متغیر وابسته بوده است.

متغیر کنترل شده: تلاش بر این بوده تا تمام آزمودنی‌ها از میان افرادی انتخاب شوند که زبان مادری آنها کردی باشد. پس می‌توان ادعا کرد که زبان مادری آزمودنی‌ها متغیر کنترل شده است. داده خام، مجموع فراوانی دو زبان کردی و فارسی در هر حوزه بود که نشانگر گرایش آزمودنی‌ها نسبت به کاربرد این دو زبان در حوزه‌های مختلف اجتماعی بوده است. از آن جایی که به قیدهای تکرار ارزش عددی داده شده بود و مجموع این اعداد در هر حوزه به عنوان نمره‌ای برای پاسخگو در نظر گرفته شده بود می‌توان گفت که این نمرات میزان‌های فاصله بودند. برای تمام پاسخگویان براساس این میانگین‌ها تفاوت کاربرد دو زبان روی نمودارهای ستونی نمایش داده شدند. برای مقایسه این نمرات میانگین در هر حوزه آزمون ت جفت اجرا شد. زیرا پاسخگویان می‌توانستند دو کد را انتخاب کنند. جهت نشان دادن رابطه

1 independent variable

2 dependent variable

بین انتخاب زبان و عوامل سن، جنس، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر آزمون ت جفت^۱ و واکاوی واریانس یک طرفه^۲ به کار گرفته شد زیرا یک متغیر وابسته و چهار متغیر مستقل هر کدام با چند زیر سطح وجود داشت. متغیر وابسته دو زیر سطح فارسی و کردی داشت. جهت اجرای واکاوی واریانس، محقق هر زیر سطح را به عنوان یک متغیر وابسته جداگانه در نظر گرفت. سپس روش واکاوی واریانس یک طرفه دوباره اجرا شد، یک بار برای نشان دادن رابطه کردی و متغیرهای مستقل و بار دوم جهت نشان دادن رابطه فارسی و متغیرهای مستقل

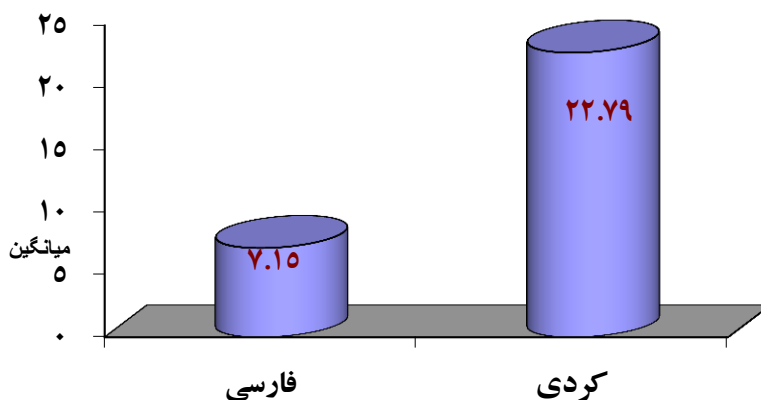
جدول ۵- مقایسه کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه اجتماعی آزمون تی در حوزه خانواده

Paired Samples Test

	Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 khnawadehfarsi - khanawadehkordi	-15.635	5.351	.252	-16.130	-15.139	-61.980	449	.000

1 T test pair

2 one_way anova

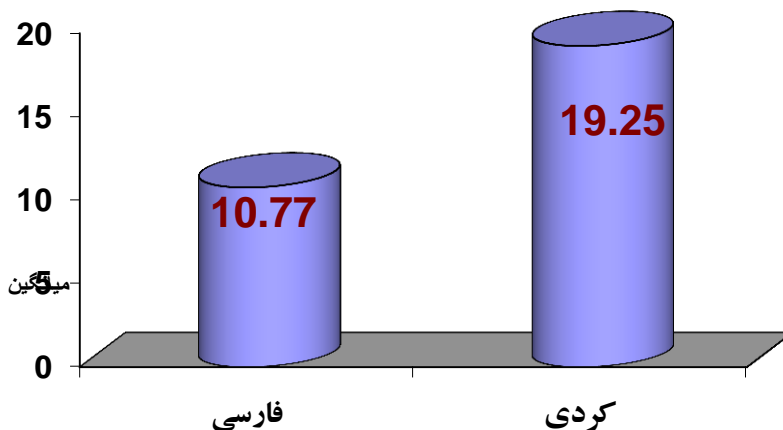


نمودار ۱- مربوط به مقایسه کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه خانواده

جدول ۶- مقایسه کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه اجتماعی آزمونی در حوزه دوستی

Paired Samples Test

	Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 dostifarsi - dostikordi	-8.479	6.052	.285	-9.040	-7.919	-29.722	449	.000

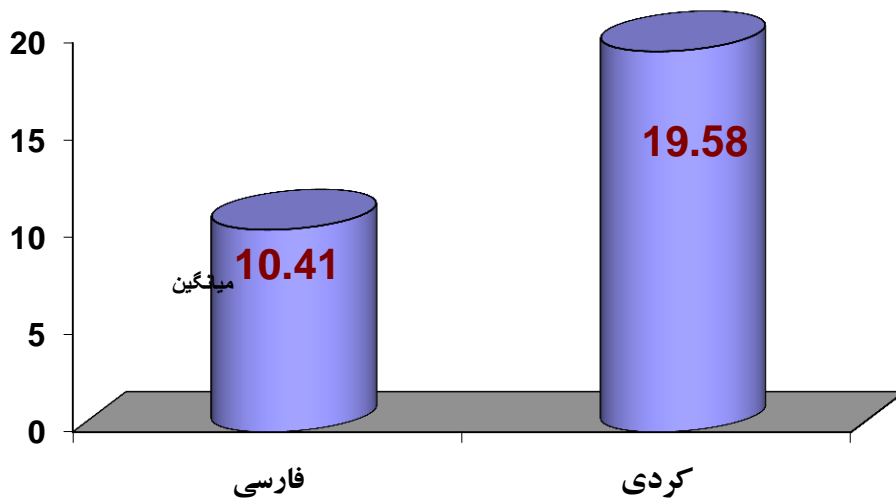


نمودار ۲- مربوط به مقایسه کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه دوستی

جدول ۷- مقایسه کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه اجتماعی آزمونی در حوزه همسایگی

Paired Samples Test

	Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 hamsayagifarsi - hamsayagikordi	-9.170	6.108	.288	-9.736	-8.604	-31.847	449	.000



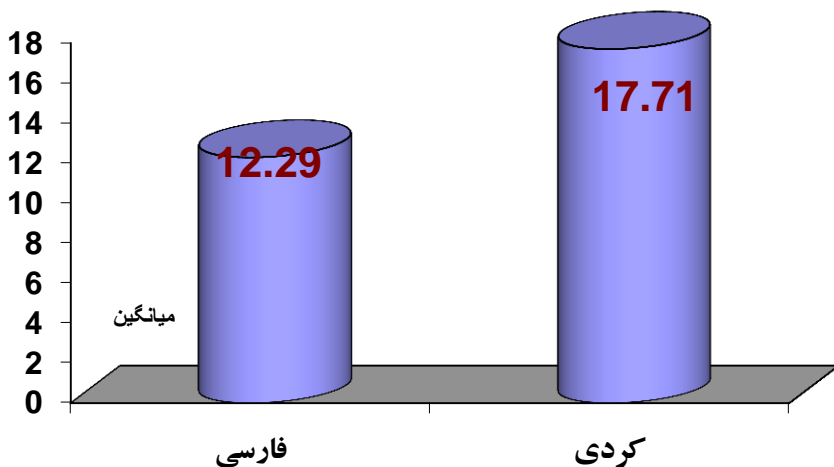
نمودار ۳- مربوط به مقایسه کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه همسایگی

جدول ۸- مقایسه کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه اجتماعی

آزمون تی در حوزه داد و ستد

Paired Samples Test

	Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 dadofarsi - dadokordi	-5.430	6.837	.322	-6.063	-4.796	-16.846	449	.000

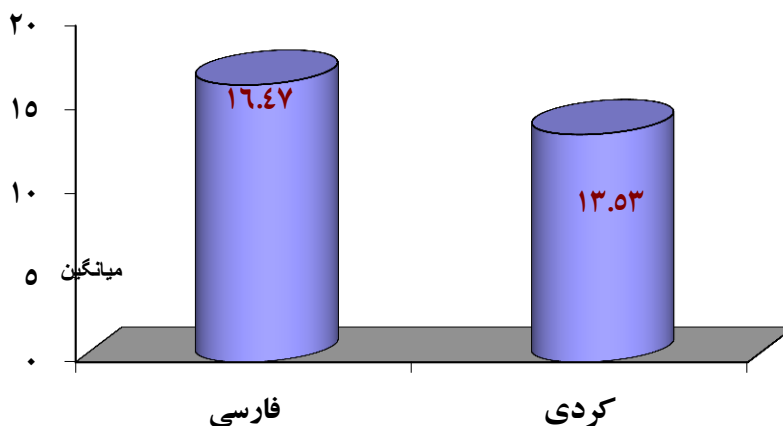


نمودار ۴- مربوط به مقایسه کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه دادوستد

جدول ۹- مقایسه کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه اجتماعی آزمونی در حوزه آموزشی

Paired Samples Test

	Paired Differences						t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference					
				Lower	Upper				
Pair 1 amozeshfarsi - amozeshkordi	2.934	7.799	.368	2.212	3.657	7.981	449	.000	

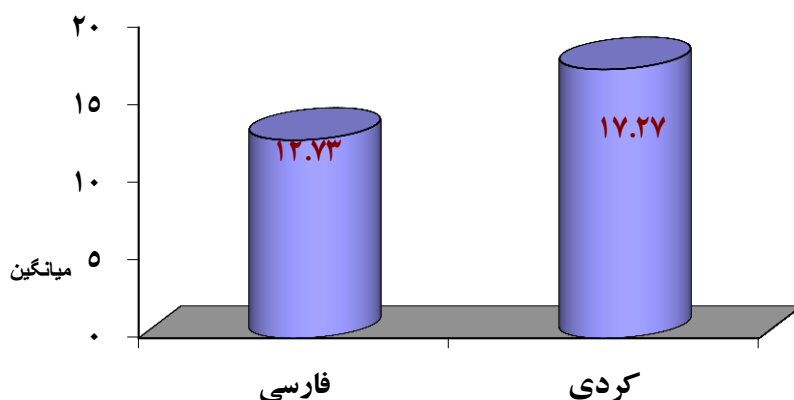


نمودار ۵- مربوط به مقایسه کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه آموزش

جدول ۱۰- مقایسه کاربرد فارسی و کردی در رابطه با شش حوزه اجتماعی آزمون تی در حوزه اداری

Paired Samples Test

	Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
				Lower	Upper			
Pair 1 edarifarsi - edarikordi	-4.540	7.468	.352	-5.232	-3.848	-12.896	449	.000



نمودار ۶- مربوط به مقایسه کاربرد زبان فارسی و کردی در حوزه اداری

مقایسه کاربرد فارسی و کردی توسط گروه‌های مختلف سنی از طریق واکاوی واریانس

مقایسه میانگین بدست آمده از بسامد کاربرد دو زبان توسط آزمودنی‌ها در پنج گروه سنی نمایانگر این است که کردی بیشتر توسط افراد بزرگسال و سالخورده مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمترین کاربرد این زبان متعلق به گروه سنی نوجوانان و جوانان (۱۱-۲۵) سال می‌باشد. در مورد زبان فارسی شاهد کاهش ناگهانی در کاربرد این زبان توسط افراد بزرگسال و سالخورده می‌باشیم. بیشترین میانگین کاربرد زبان فارسی متعلق به افراد گروه سنی نوجوانان می‌باشد. به طور کلی تفاوت قابل ملاحظه‌ای در کاربرد فارسی و کردی توسط افراد بزرگسال قابل مشاهده است. به منظور آگاهی از این نکته که تفاوت کاربرد مربوط می‌شود به تأثیر سن و یا صرفاً تصادفی بوجود آمده دو عملیات واکاوی واریانس یک طرفه انجام شد که اولین عملیات برای زبان فارسی و دومین برای زبان کردی اجرا شد.

مقایسه کاربرد فارسی و کردی با توجه به سطوح مختلف تحصیلی از طریق واکاوی واریانس

با مطالعه اعداد میانگین در می‌یابیم که بیشترین کاربرد کردی مربوط به افراد بی‌سواد و پایین‌ترین کاربرد مربوط به سطح ابتدایی است. بیشترین کاربرد فارسی مربوط به سطح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه و کمترین کاربرد آن مربوط به افراد بی‌سواد است. در مورد افراد دیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین گروه‌های تحصیلی دیگر در کاربرد فارسی و کردی وجود ندارد.

مقایسه کاربرد فارسی و کردی با توجه به زبان مادری همسر:

مقایسه کاربرد دو زبان در رابطه با زبان مادری همسر افراد متأهل نشان داد که در تمام حوزه‌ها افرادی که همسر آنها غیر کردی است از زبان فارسی بیشتر استفاده می‌کنند و افرادی که همسر آنها کردی است بیشتر از زبان کردی استفاده می‌کنند. زیرا p - value کوچکتر از ۰۵/ است.

خلاصه

هدف از انجام این تحقیق پی بردن به کاربرد و جایگاه زبان فارسی در منقطه اورامانات از یک سو، و تاثیر عواملی از قبیل سن، جنس، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر بر انتخاب زبان از سوی دیگر است. بنابراین تحقیق یک هدف دو جانبه است:

۱- محقق می‌کوشد تا رابطه بین کاربرد فارسی و کردی را در شش حوزه اجتماعی خانواده، دوستی، همسایگی، دادوستد، آموزش و اداری اثبات کند، یعنی دریابد که در هر حوزه کدام گونه‌ی زبانی بیشترین کاربرد را دارد.

۲- محقق می‌کوشد تا تاثیر عوامل سن، جنس، سطح تحصیلات و زبان مادری همسر را بر کاربرد کردی و فارسی در یابد.

در این تحقیق از پرسشنامه‌ی مدل پاراشر (۱۹۸۰) استفاده شده است. شش حوزه‌ی اجتماعی از غیر رسمی تا رسمی طبقه بندی شده‌اند. هدف این بوده تا ثابت شود که زبان مسلط در هر حوزه

چه بوده است. آزمودنی‌ها از گروه‌های مختلف سنی، تحصیلی، جنسی و در مورد متأهلین با توجه به زبان مادری همسر انتخاب شدند. داده‌های خام به وسیله‌ی کامپیوتر پردازش شدند. نتایج تفاوت‌ها را در کاربرد دو زبان توسط گروه‌های مختلف بررسی شدند.

نتیجه‌گیری

قبل از تحقیق حاضر در مورد کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف اجتماعی در اورامانات (پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) در این خصوص در شهرهای ارومیه، تبریز، رشت، لاهیجان، ساری، تنکابن، کلاله و گالیکش، مینو دشت، قائم شهر، ممسنی و چند شهر دیگر تحقیقاتی انجام شده است که در همه‌ی شهرها حوزه‌های مختلف اجتماعی کاربرد زبان را به شکل معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد. در منطقه اورامانات (پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) نیز مانند سایر شهرهای مورد تحقیق به عنوان مثال جوانان، زنان، تحصیل کرده‌ها و افرادی که دارای همسر غیر زبان بومی می‌باشند بیشتر از سایر افراد از زبان فارسی استفاده می‌کنند.

به طور کلی اگر تمام تحقیقات را مورد مطالعه قرار دهیم به این نتیجه خواهیم رسید که مردم بومی تقریباً تمام مناطق در حوزه‌های غیر رسمی (خانواده، دوستان، همسایگان و دادوستد) زبان مسلط آنها زبان بومی است در صورتی که در حوزه‌های رسمی (آموزش و اداری) تا حدودی زبان مسلط آنها فارسی است، از این لحاظ نتایج تحقیق حاضر تنها در حوزه آموزش با تحقیقات قبلی همسو می‌باشد و در بقیه حوزه‌ها زبان مسلط کردی است.

همچنین در منطقه اورامانات نسبت به مناطق دیگر مورد تحقیق، اختلافاتی معناداری نیز مشاهده‌ود که قابل تأمل است مثلاً در سایر شهرهای دیگر به استثنای شهرهای یاسوج، ارومیه و ممسنی مردم در حوزه‌های غیر رسمی نیز تا حدودی گرایش به زبان فارسی دارند و در حوزه‌های رسمی تا حدودی نیز زبان بومی کنار گذاشته شده است اما در منطقه اورامانات زبان بومی نه تنها حذف نشده بلکه در حوزه‌های غیر رسمی و تا حدودی حوزه رسمی اداری بیشتر از زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تنها حوزه‌ای که در منطقه اورامانات (پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) زبان فارسی بیشتر از زبان بومی (کردی) مورد استفاده قرار می‌گیرد حوزه آموزش می‌باشد و دلایل آن احتمالاً این است که اولاً تعداد زیادی افراد فارسی زبان در نهادهای آموزشی مشغول به خدمت هستند. ثانیاً نهادهای آموزشی بر کاربرد مطلق زبان فارسی در کلاس‌های درس تأکید می‌کنند. ثالثاً برای خود دانش آموزان بحث در مورد مسائل علمی از طریق زبان فارسی آسانتر است تا زبان کردی و رابعاً به دلیل احساس مسؤولیت اکثر معلمان جهت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و توان بحث و تبادل در دانشگاه و مراکز آموزشی در آینده می‌باشد.

در مورد مشاغل در تحقیق حاضر و بقیه ی تحقیقات انجام گرفته مشاهده می شود که تا حدود زیادی در مدارس و دانشگاه ها از زبان فارسی استفاده می شود در صورتی که دامداران، کشاورزان، مشاغل آزاد و... بیشتر از زبان بومی استفاده می کنند.

در منطقه اورامانات (پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) خلاف بیشتر شهرهای مورد تحقیق دیگر دو زبانگویی نزدیک به کامل دیده می شود چون در هر صورت (به استثنای افراد دارای همسر غیر کرد زبان) زبان مسلط آنها کردی است و در حوزه های رسمی فقط در حوزه آموزش زبان مسلط آنها عمدتاً فارسی است در صورتی که در شهرهای دیگر دوزبانگویی کامل دیده نمی شود به طوری که محقق شهرستان ممسنی (آقای هوشمند) به این نتیجه رسیده اند که چون گاهی اوقات تسلط زبان از رسمی به غیر رسمی تغییر پیدا می کنند یعنی گاهی اوقات نیز زبان مسلط حوزه های غیر رسمی فارسی می شود بنابراین دوزبانگویی کامل دیده نمی شود.

شاید مهم ترین علت استفاده از زبان بومی در منطقه ی اورامانات (پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی) حتی تا حدودی در حوزه رسمی آموزش، تعصب، علاقه شدید و پایبندی مردم به زبان مادری و بومی خود بوده است که این مسأله در شهرستان های یاسوج، ارومیه و ممسنی نیز بیشتر از سایر شهرها به چشم می خورد.

این تحقیق دو فرضیه اصلی دارد، نتایج به دست آمده از تحلیل فرضیه ها نشان می دهد که: فرضیه اول: در اورامانات در موقعیت های رسمی و در برخورد با کرد زبانان و فارسی زبانان از زبان فارسی و در موقعیت های غیررسمی و در برخورد با کرد زبانان از زبان کردی استفاده

می‌شود. تحلیل داده‌های آماری براساس آزمون واریانس یک طرفه برای فرضیه اول نشان می‌دهد که در موقعیت‌های رسمی (حوزه آموزش و تاحدودی در حوزه اداری) و موقعیت‌های غیررسمی (چهار حوزه خانواده، دوستان، همسایگی و دادوستد) فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم: از نقطه نظر گروه‌های سنی، افراد جوان، از نقطه نظر گروه‌های جنسی دختران و از نقطه نظر گروه‌های تحصیلی افراد تحصیل کرده بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند. تحلیل داده‌های آماری براساس واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که گروه‌های سنی، افراد جوان بجز در حوزه خانواده بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند. تحلیل داده‌های آماری براساس نمودارهای جعبه‌ای نشان می‌دهد که گروه‌های جنسی دختران تنها در حوزه آموزش بیشتر از دیگر گروه‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند و در بقیه حوزه‌ها این گونه نیست. و همچنین آزمون واریانس یک طرفه برای گروه‌های تحصیلی، نشان می‌دهد که افراد تحصیلکرده در تمامی حوزه‌ها بجز حوزه خانواده بیشتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند. بنابراین به استثنای نقطه نظر جنسی که فرضیه دوم تأیید نمی‌شود در نقطه نظرهای سن و سطح تحصیلات فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

منابع

- ۱- آذر، عادل و مونس، منصور. ۱۳۸۵. آمار و کاربرد آن در مدیریت. جلد دوم. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها
- ۲- ا.ج. داگلاس براون. ۱۳۸۱. اصول یادگیری و آموزش زبان. ترجمه؛ دکتر منصور فهیم. انتشارات رهنما، تهران.
- ۳- اچسون، جین. ترجمه محمد فائض. ۱۳۸۰. مبانی زبان شناسی. چاپ دوم. تهران. مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۴- اردشیر، آذرگشسب. خرده اوستا، چاپ راستی، تهران.
- ۵- اردلان، شیرین و مرتضی. خاندان کرد اردلان، ۱۳۸۷، انتشارات تاریخ ایران.

- ۶- اگرادی ویلیام و همکاران. ۱۳۸۰. در آمدی بر زبانشناسی معاصر. ترجمه دکتر علی درزی. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- ۷- باقری، مهري. ۱۳۷۵. مقدمات زبانشناسی. تهران. انتشارات نشر قطره.
- ۸- باطنی، محمد رضا، ۱۳۵۶. چهار گفتار درباره زبان. چاپ اول. تهران. انتشارات آگاه.
- ۹- بهبودیان، جواد. ۱۳۸۲. آمار و احتمال مقدماتی. مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۰- برهان، قانع، ۱۹۷۸، میدیا، نویسنده ئی.م. دیاکونوف، انتشارات دارالحریه، بغداد.
- ۱۱- پراید، ج. ب. ترجمه سید اکبر میرحسینی. ۱۳۷۳. جامعه شناسی یادگیری و تدریس زبان. چاپ اول. تهران. چاپخانه سپهر.
- ۱۲- ترادگیل، پیترو. ترجمه دکتر محمد طباطبائی. ۱۳۷۶. زبانشناسی اجتماعی در آمدی بر زبان و جامعه. چاپ اول. تهران. انتشارات آگاه.
- ۱۳- تراسک، آر.ال. ترجمه دکتر ارسلان گلفام. ۱۳۸۲. تحول. چاپ اول. تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۴- تراسک، آر.ال. .. ۱۳۸۰. مقدمات زبانشناسی. ترجمه فریار اخلاقی. چاپ اول. تهران. نشرنی
- ۱۵- جولیا اس، فالک. ۱۳۸۰. زبانشناسی و زبان. ترجمه دکتر علی بهرامی. تهران. انتشارات راهنما
- ۱۶- جلالی زاده. جلال. کردستانی. جاماسب. ۱۳۸۲، مینورسکی. کردها نوادگان ماد، نشر ژیار
- ۱۷- رخزادی، علی. ۱۳۷۹ آواشناسی دستور زبان کردی، انتشارات الوند
- ۱۸- ذبیحی، عبدالرحیم. ۱۹۸۸. قاموس زبان کردی.
- ۱۹- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی الهه. ۱۳۸۳. روشهای تحقیق در علوم رفتاری. چاپ نهم. تهران. انتشارات آگاه.
- ۲۰- سجودی، فرزانه، امیری، مهرداد و اخلاقی مریم. ۱۳۸۱. زبانشناسی همگانی. چاپ اول. تهران. انتشارات پوران پژوهش.
- ۲۱- شرافکندی، عبدالرحمن. ۱۳۶۹، فرهنگ کردی-فارسی اردلان، انتشارات تهران
- ۲۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، سال ۱۳۶۲. انتشارات فردوس، تهران

- ۲۳- عباسی، محمد، ۱۳۴۳، شرفنامه به قلم امیر شرف‌خان بدلیسی، تهران. چاپ افست
- ۲۴- قاضی، محمد. ۱۳۶۳، کرد و کردستان، نیکینین، نشر درایت
- ۲۵- کلباسی، ایران. ۱۳۵۵، زبان فارسی و زبانهای محلی، دانشکده مکاتبه‌ای، تهران
- ۲۶- کلباسی، ایران. ۱۳۶۲، گویش کردی مهاباد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- ۲۷- ماموستان طاهر باقر، ۱۹۷۳، سده‌های پیش از تاریخ در تمدن میزوپتامیا در برابر روشنایی جستجوی آثار تاریخی کردستان عراق، مجله انجمن دانش پژوهی کرد، جلد یکم، بند یکم، سال بغداد.
- ۲۸- مدرسی، یحیی. ۱۳۶۸. در آمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲۹- مشکوه‌الدینی، مهدی. ۱۳۷۹. توصیف و آموزش زبان فارسی. چاپ دوم. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۳۰- معین، محمد. ۱۳۲۶. فرهنگ لغت معین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۳۱- معین، محمد. برهان قاطع، جلد اول.
- ۳۲- ممدوحی، احمدرضا. ۱۳۸۴. آسانترین زبان دنیا، آروبیج، انجمن اسپرانتو ایران، تهران
- ۳۳- منتصر، دکتر عبدالحکیم. ۱۹۷۵، ابن وحشیه و کتابه فی الفلاحه و هو اقدم الکتب فی العربیه، مجله العربی، چاپ کویت.
- ۳۴- نرسیسیان، امیلیا. ۱۹۸۵. دوزبانگونگی در ایران. مجله زبان‌شناسی. سال دوم. شماره ۲.
- ۳۵- یول، جورج. ترجمه نسرین حیدری. ۱۳۷۴. نگاهی به زبان (یک بررسی زبان شناختی). چاپ اول. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- 36- Chambers , J.K.1980. Dialectology. First edition. Cambridge. Cambridge University Press.
- 37- Coupland Nikolas and Jaworski Adam. 1997. Sociolinguistics. First edition. Macmilan Press LTD.
- 38- Fereiduni , J.(1998). " A Sociolinguistics study on Multilingualism. A Domain Analysis Perspective. " M.A thesis Shiraz: Shiraz University.
- 39- File: // dialectoiogy / dialossia / a1 / node 3. html.

- 40- Fromkin , Victoria and Rodman Robert. 1998. An Introduction to Language. Fourth edition. Holt , Rinehart and Winston , Inc. PP. 253 – 295.
- 41- Holmes J. 1992. An Introduction to Sociolinguistics. First edition New York. Longman publishing.
- 42- Hudson. Grover. 2000. Essential Introduction Linguistics. First edition Black well Publishers Inc.
- 43- Hudson , R. A. 1980. Sociolinguistics. Second edition. Cambridge University Press.
- 44- Josiane F. Hamers and Michel H. A. Blanc.1989. Bilinguality and Bilingualism. Second edition. Cambridge. Cambridge University Press.
- 45- Myres – Scotton, C. 2006. Multiple Voices. First edition. Blackwell Publishing.
- 46- Parasher , S. N. 1980. Mother tongue – English Diglossia. A case study of educated Indian bilinguals 's use. Anthropological linguistics. 22 (4). 151 – 68.
- 47- Sanaee Moghaddam , Z. (1999)." A Domain Analysis of Language Use in Yasuj Speech Community. "
- 48- Spolsky , Bernard. 1998. Sociolinguistics. Fifth edition. Oxford University Press.
- 49- Stockwell P.2002. Sociolinguistics. First edition. London. Routledge.
- 50- Wardhaugh , R. 1986. An Introduction to Sociolinguistics. First edition. Cambridge: Basil Blackwell Inc.
- 51- Wareing , Shan. Language and gender. Stilwell Peccei , Jean. Language and age. Jones , Jason. Language and class. 2004. In: Singh , Ishtla and Stilwell Peccei , Jean (ed). Language , Society and Power. Second edition. Routledge.